



## تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه ۲۰	تاریخ	۱۴۰۰/۰۸/۱۰
عنوان ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات			
عنوان ۲	مبحث هفتم: علم اجمالی			
عنوان ۳	حجیت علم اجمالی در مقام امثال			
عنوان ۴	مبحث دوم: امثال اجمالی در عبادیات در مواردی که امثال موجب تکرار نشود			
عنوان ۵	ادله قائلین به کفایت امثال اجمالی در عبادیاتی که منجر به تکرار نمی شود			
عنوان ۶	اشکال حضرت امام <small>علیه السلام</small> بر تقریب میرزای نائینی <small>رحمته الله</small>			
عنوان ۷	پاسخ اشکال حضرت امام <small>علیه السلام</small> بر تقریب میرزای نائینی <small>رحمته الله</small>			

محقق نائینی بیانی در امثال اجمالی در عبادات، در مواردی که موجب تکرار نمی شود داشتند؛ که می فرمودند اگر امثال اجمالی کافی نباشد، تنها دلیلش، اعتبار و اشتراط قصد وجه و تمیز در امثال است؛ در حالی که نه دلیل عقلی و نه دلیل نقلی بر اشتراط قصد وجه و تمیز وجود ندارد؛ بنابراین امثال اجمالی در مقام امثال کفایت می کند.

### اشکال حضرت امام علیه السلام بر تقریب میرزای نائینی رحمته الله

اشکالی که حضرت امام علیه السلام بر بیان محقق نائینی داشتند را اجمالاً در جلسه قبل بیان کردیم؛ اما در این جلسه این اشکال را با تفصیل بیشتری بیان می کنیم تا مطلب روشن تر بشود؛ لذا اشکال حضرت امام را در چند بند بیان می کنیم:

۱. بحث در کفایت امثال اجمالی، بحث عقلی محض است و بحث نقلی نیست. بحث در این نیست که آیا شرعاً امثال اجمالی کفایت می کند یا خیر؛ زیرا فرض بر این است که امثال اجمالی، تمام شرایط شرعی امثال تفصیلی را دارد. امثال اجمالی یعنی همان چیزی که شرع در مأموریه معتبر کرده را مکلف با تمام خصوصیات و اجزاء و شرایط اتیان می کند و مطابقت بین مآتی به و مأموریه وجود دارد؛ لذا کار از شرع گذشته؛ کار شرع این است که امر و نهی کند و در امر و نهی اش آنچه شرط و جزء است معتبر کند؛ و بعد از فراغت از کار شرع و بعد از فراغت از اینکه آنچه خارجاً اتیان می شود، مطابق است با آنچه شرعاً در مأموریه اخذ شده، بحث می شود که آیا اگر این امثال اجمالی بود نیز مجزی بوده و کفایت می کند یا خیر؟ خلاصه اینکه بحث در اجزاء و کفایت امثال است از ناحیه اینکه اجمالی است؛ نه از این ناحیه که این امثال، غیر مطابق با مأموریه است.

۲. بنابر آنچه در بند اول بیان کردیم، پس مبتنی دانستن کفایت امثال اجمالی بر اعتبار یا اشتراط قصد وجه و تمیز یا عدم اشتراط قصد وجه و تمیز در عبادت، ابتدای درستی نیست؛ زیرا بحث ما در این نیست که آیا قصد وجه و تمیز شرعاً معتبر است یا خیر؛ بلکه همانطور که در بند اول بیان کردیم، بحث در کفایت امثال اجمالی، بعد از فراغت از تمام آن چیزی است شرعاً در مأموریه باید معتبر باشد.

۳. بحث در امثال قطعی اجمالی است؛ که بعد از اینکه امثال اجمالی قطعی شد، آیا این امثال اجمالی قطعی، مجزی از امثال تفصیلی است یا خیر؟

۴. اینکه گفتیم بحث در امثال قطعی اجمالی است، به این نکته است که اگر ما در مواردی که امثال اجمالی است، دخل قصد وجه و تمیز را در امثال احتمال بدهیم، این امثال، امثال احتمالی می شود.

اگر ما اعتبار قصد وجه و تمیز را در امثال دخیل بدانیم، کسی که امثال اجمالی می کند، چون آن شرط محتمل را رعایت نکرده، امثال او، امثال احتمالی است.

۵. امثال احتمالی، خارج از محل بحث است. بحث ما در امثال علمی است؛ که آیا امثال علمی اجمالی، همچون امثال تفصیلی می تواند موجب فراغت ذمه شود یا خیر؟

فرمایشی که مرحوم نائینی بیان فرمودند به این منجر می شود که امثال اجمالی، امثال احتمالی شود؛ که این خارج از بحث ماست.

این خلاصه اشکال حضرت امام است.

#### پاسخ اشکال حضرت امام رحمته الله علیه

به نظر ما این اشکال، کلاً بر میرزا وارد نیست. برای روشن شدن اینکه چرا این اشکال بر میرزا وارد نیست، جواب این اشکال را در چند بند بیان می کنیم:

۱. میرزای نائینی، قیود معتبره در تکلیف را بر دو قسم می داند: یک قسم قیود اولیه و قسم دیگر قیود ثانویه. قیود اولیه قیودی است که می توان آن قیود را بدون توقف بر خود امر، در مأموریه معتبر دانست؛ مثل اینکه قید در ساتر بودن را قبل از اینکه امر را به صلاة متوجه کند، اول صلاة را به قید ساتر مقید کند، و بعد بگوید: «صل صلاة مع الساتر» و یا قبله؛ این قیود، قیودی هستند که اخذ آنها در متعلق تکلیف، متوقف بر خود امر نیست.

قیود ثانویه قیودی هستند که اخذ آن در متعلق تکلیف، متوقف بر امری است که می خواهد به آن تعلق بگیرد؛ مانند قصد امر. اگر شارع بخواهد قصد امثال امر را در متعلق تکلیف قید کند، متوقف بر این است که امری وجود داشته باشد. ایشان برای حل این اشکال، مسأله را از طریق متمم جعل حل می کند.

۲. در نگاه میرزای نائینی، قید قصد وجه و تمیز، نه از قیود اولیه است و نه از قیود ثانویه. میرزای نائینی اصلاً قصد وجه یا قصد تمیز را از قیود مأموریه نمی داند؛ یعنی آن دو از قیودی نیستند که جاعل بخواهد آنها را معتبر کند. به عبارت دیگر، بعد از اینکه شارع، امر خود به متعلق را تمام کرد و با تمام قیود آن را بیان داشت - چه با متمم جعل و چه بدون آن -، حال این بحث پیش می آید که آیا این مأموریه با تمام قیودی که در آن اخذ شده، برای آنکه بخواهد امثال آن محقق شود، باید با قصد وجه باشد، یا بدون قصد وجه؟

۳. اعتبار قصد و وجه و تمیز در تحقق اطاعت، باید دارای علتی باشد. سخن میرزا این است که علت آن یا شرعی است و یا عقلی؛ که بعد می‌فرماید نه از شرع دلیلی بر اعتبار آنها وجود دارد و نه از عقل؛ زیرا عقل در تحقق اطاعت، بیش از اتیان مأموریه بر ذمه مکلف، چیزی را بار نمی‌کند.

۴. بنابراین اشکال حضرت امام وارد نیست. اشکال ایشان وقتی وارد است که میرزای نائینی بخواهد بگوید قصد وجه یا قصد تمیز در مأموریه معتبر است؛ اینجاست که اگر ما احتمال اشتراط قصد وجه و تمیز بدهیم، امتثال احتمالی می‌شود و اشکال امام پیش می‌آید؛ اما زمانی که قصد وجه و تمیز داخل در مأموریه نباشد، این اشکال رخ نمی‌دهد و امتثال، امتثال احتمالی نمی‌شود.

به عبارت دیگر مرحوم میرزا متوجه این نکته است که مأموریه باید با تمام شرایط و اجزا باشد.

اشتراط قصد تمیز و وجه، در عنوان مأموریه نیست؛ بلکه این اشتراط [اگر موجود باشد]، در تحقق عنوان اطاعت است. بعد از اینکه مأموریه به طور کامل اتیان می‌شود، این سوال پیش می‌آید که آیا اتیان مأموریه به طور کامل، در تحقق اطاعت کفایت می‌کند تا گفته شود در موارد امتثال اجمالی، اتیان مأموریه به طور کامل انجام گرفته است؛ و یا اینکه اتیان مأموریه [به طور کامل و با تمام شروط لازم است] به علاوه اینکه مکلف بداند این عملی که انجام داده، همان مأموریه‌ای است که شارع می‌خواهد. این شرط، غیر از شرطی است که در خود مأموریه اخذ شده است.

بنابراین اشکال حضرت امام وارد نیست و فرمایش میرزا متین است.

در بیان میرزا این مفروضه است که در امتثال اجمالی، امتثال وجود دارد؛ یعنی مکلف، تمام آنچه در تحت امر آمده را اتیان کرده است؛ و بعد از فراغت از این جهت، بحث می‌کنیم که اجمالی بودن این امتثال، مخل است یا خیر؟ ایشان می‌فرماید اگر اجمالی بودن این امتثال بخواهد مخل باشد، معنایش این است که شما علاوه بر اتیان به خود مأموریه با تمام اجزاء و شرایطش، چیز دیگری را نیز در تحقق اطاعت معتبر بدانید و آن قصد وجه و تمیز است؛ که دلیلی نه شرعاً و نه عقلاً بر اعتبار و اشتراط قصد وجه و تمیز وجود ندارد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين